



در گفتگو با دوبلورها همیشه حواست هست که کدام جمله شان را شبیه کاراکتری می گویند که دوست داشته ای و کلی با آن نقش عشق کرده ای و چقدر خوش می گذرد موقعی که می فهمی شخصیت واقعی شان هم درست مثل آن کاراکتر داستانی است. علی همت مومی وند خود آلک کینگ است در سریال قصه های جزیره، خون گرم است و متین. اگر روزی افتخار این را داشته باشی که در باکس (اتفاق ضبط صدا) و موقع دوبله در کنارش باشی، می بیند که مثل آلک، فقط به کارش فکر می کند. باورتان می شود این صدای بم، تپ «سگ» را در کارتون گریه-سگ اجرا کرده، او می گوید عاشق بچه ها و دنیای کودکان آنها است، مثل آلک که بیش تر سعی می کند قاتی مسائل بچه ها باشد تا دنیای خشک و منطقی آدم بزرگ ها. امیدوارم در این گپ دوستانه، روحيات ديگر «آلک کینگ»ی، علی همت مومی وند برایتان کاملاً روشن شود.

با علی همت مومیوند و دنیای دوبله

ورود من به «دوبله» اتفاقی بود

تپ سگ را در کارتون زیبای گریه سگ، تقریباً همان طور ریز گفتید و به یاد ماندنی شد؟

یک شب آقای نباتی با من تماس گرفت و گفت فلان روز بیا می خواهیم کارتون دوبله کنیم، گفتیم حتماً می آیم، همان موقع گفت: «از الان گفته باشم کاراکترهای کارتون آدم نیستند!!» (با خنده...) گفتیم حالا می آیم بینم اصلاً چی هست، رفتیم دیدیم و خیلی هم جذاب بود. من و توج نصر هر دو کاراکتر را تست دادیم یعنی من به جای گریه حرف زدم و آقای نصر، سگ را گفت! و بالعکس. دست آخر هم قرار شد که من «سگ» را اجرا کنم، ظاهراً که کارتون موفق هم شد.

شما در دوبله سریال های تلویزیونی زیادی حضور داشته اید، بعضی از آنها مثل قصه های جزیره ماندگار شدند، اخیراً تلویزیون تصمیم به پخش مجدد آن گرفته، یکی از ویژگی های دوبله خوب این سریال استفاده رفعت هاشم پور از تیم صدایپیشه های جوان است، این طور نیست؟

خانم هاشم پور همیشه اصرار داشتند از گویندگان جوان تر استفاده کنند تا در کار تنوع ایجاد بشود و بسیاری از کلیشه های رایج در این حرفه را از بین ببرند و فکر می کنم که مخصوصاً در این سریال موفق شدند، حالا این که ملاک انتخاب گوینده ها برای هر نقش چه بوده به دیدگاه خانم هاشم پور بر می گردد اما درباره نقش خودم، آلک کینگ می توانم بگویم که بعد از یکی دو قسمت فهمیدم چقدر به شخصیت اصلی ام نزدیک است.

اتفاقاً در یکی دو برخورد کوتاه با شما می توان این موضوع را فهمید، شما هم مثل آلک انگار زیاد به حواشی اهمیت نمی دهید! همان طور که آلک به حرف و حدیث های گاهی بیپهوده مردم جزیره اهمیت نمی دهد، شما هم کاری با حاشیه هایی که اخیراً در دوبله اتفاق افتاده ندارید.

نه، اصلاً کاری ندارم. البته این مفهومش این نیست که اصلاً کاری با سرنوشت دوبله ندارم، ما نهایت سعی مان این است که دوبله را به جایی برسانیم که اعتبار خوبی در جامعه به دست بیاید، یکی از آنها با اجراهای خوبی است که داریم و دیگری کارهای حاشیه ای خوبی که انجام می دهیم، بله با آن حواشی که منظور شما است کاری ندارم اما مثلاً آلان داریم برای دوبله شرکت تعاونی راه می اندازیم، این نوع حاشیه ها برای دوبله لازم است. این که کی چه کار کرد یا دیگری چه گفت برایم مهم نیست و از آن ساعتی که وارد کار می شوم، تمام فکر و ذکر من می شود نقشی که باید به نحو احسن اجرا کنم.

نوید غضنفری

می طلبند که دوبله شوند، مثلاً در فیلم آدم برفی پرویز پرستویی و داریوش ارجمند به جای خودشان گفته اند و خیلی هم عالی شده اما نقش مرحوم مهدی فتحی را منوچهر اسماعیلی گفته، فکر می کنید شخص دیگری می توانست آن نقش را آن طور بگوید. مثلاً مرحوم علی حاتمی به دلیل علاقه به دوبله و مخصوصاً به صدای چند دوبلور خاص، نقش هایش را برای آن صدایپیشه ها می نوشت. الان تمام بازیگران فن بیان بلند اما مدت ها پیش، سال هایی که در دوبله حضور نداشتیم شنیده ایم که هنرپیشه ها اصلاً فن بیان نمی دانستند و سر صحنه بهشان می گفته اند: «شما بشمیرید، دوبله بر جایتان حرف می زند». به هر حال من اصلاً تصبیبی ندارم که چرا دیگر فیلم های فارسی دوبله نمی شوند چون دوبله نابجا هم به فیلم ضربه می زند اما سینمای فیلم های فارسی به دوبله مدیون است و نباید خدماتش را نادیده گرفت.

پیش آمد که در فیلم های فارسی نقش های شاخصی اجرا کنید؟
از گروه بچه های ما به دلیل این که هنوز صلاهایمان نا آشنا بود، بیش تر در فیلم های جنگی آن موقع استفاده می شد که مشخص نباشد این فیلم ها دوبله شده و مستند به نظر برسند. اما در یک سریال تلویزیونی به نام سی مرغ نقش شهید شیرودی را گفتم که فکر می کنم مورد استقبال قرار گرفت.

یکی از ویژگی های صدای شما تپ سازی هایی است که انجام می دهید، این تپ ها با صدای اصلی تان تفاوت زیادی دارد، از چه موقع کارهای تپبیک کارتونی را شروع کردید؟

اوایل صحبت هایمان گفتم که از قبل از ورود به دوبله، با صدایم تپبیک سازی می کردم بدون این که بدانم روزی کارتون گو می شوم. اولین کارتونی که در آن حرف زدم مشاهیر بزرگ جهان بود که با مدیریت داود نماینده انجام می شد اما کار تپبیک زیادی نداشت، مدتی بعد نوبت رسید به آیتام های آقای ایمنی (آقای گاز) که ژرژ پطرسی دوبله شان می کرد و من و آقای بازیاران به جای شخصیت ها می گفتیم. ظاهر من طوری است که اوایل، همه همکاران فکر می کردند من آدم بسیار جدی هستم و کارهای تپبیک نمی گویم و به خاطر این آقای ژرژ هم نقش جدی را به من داد و آقای بازیاران قرار شد آقای ایمنی را با صدایم ریز بگویم، هر کاری کردیم نقش ها جور نمی شد تا این که جای نقش ها را عوض کردیم و همه چیز درست شد، من آقای ایمنی را با صدای بسیار ریز گفتم و آقای بازیاران نقش های بم را عالی گفت.

با مدیریت آقای کسمایی افتخار این را داشتیم که در کنارشان اجرا کنیم البته آن موقع هنوز کارآموز بودم. بیش تر کارها در تلویزیون بود تا این که دوبله فیلم های فارسی را شروع کردیم، آن موقع هنوز صدارداری روی صحنه در سینما نبود و فیلم ها دوبله می شد و از آن موقع در استودیوهای بیرون هم کار می کردم.

اولین نقشی که اجرا کردید و خودتان راضی بودید یادتان مانده؟
راستش هیچ وقت از کار خودم راضی نبودم (با خنده)... منظورم این است که احساس کردید می توانید در دوبله حرفه ای بشوید.

حدود سال ۱۳۶۵، سریالی به آقای نباتی دادند دوبله کند و او هم از بچه های گروه ما یعنی ورودی بعد از انقلاب، استفاده کرد، تعدادی از بچه ها که بعد از دوره ها و غربال های مختلف باقی مانده بودند. در این سریال به نام جزیره گریز دو نقش گفتم، یکی از آنها را خیلی بد و خجالت آور اجرا کردم اما نقش دیگرم به جای یاکوب کلک یک اجرای تپبیک بود و انقدر خوب شد که بعد از پخش سریال همه می پرسیدند این رل را چه کسی اجرا کرده است، وقتی فهمیدند من بودم خیلی تشویق کردند و از آن موقع به بعد تازه کمی به کارم دلگرم شدم. ناگفته نماند که حدود سال ۱۳۶۴ و توی دوره های کارآموزی، تصادف سختی کردم و مدت ها از دوبله دور بودم و اصلاً فکر نمی کردم که دوباره به

دوبله برگردم تازه کارمند رسمی آموزش و پرورش هم بودم و نمی شد تمام وقت به دوبله بپردازم، تا این که دانشکده امور تربیتی قبول شدم و مأمور به تحصیل شدم، همین کمک کرد تا فرصت بیش تری برای دوبله بگذارم و در آن جا بیفته بعد هم که رفتم اداره آموزش و پرورش و گفتم که شرمندم، علاقه مند به دوبله شده ام و نمی خواهم دو شغله باشم و حدود سال ۱۳۷۴ بود که دوبله تمام وقت شدم.

شروع حرفه ای شما در دوبله با تحول دیگری نیز همزمان شده و آن آمدن تکنولوژی صدا روی صحنه در سینما و پایان دوره دوبله فیلم های فارسی است، دوبله محدود شد به سریال ها و کارتون های تلویزیونی، خیلی ها آمدن صدا روی صحنه را اتفاق خجسته ای برای سینمای ایران دانستند، شما به عنوان کسی که از نزدیک شاهد این تغییر فضای دوبله در آن سال ها بوده اید نظرتان در این باره چیست؟

عقیده من حد وسط است! بستگی به فضای فیلم و نقشی است که اجرا می شود، بعضی فیلم های فارسی

شما زمانی وارد دوبله شدید که رکود شدید کاری وجود داشت و هیچ کس به ادامه آن امیدوار نبود، چه طور شد که آن موقع به دوبله آمدید؟

خوب، ورود من به دوبله یک مقدار اتفاقی بود، قبل از این که به دوبله بیایم کارمند رسمی آموزش و پرورش بودم، البته مسوول امور هنری منطقه دوازده بودم و کارهایی که در آن جا انجام می دادیم، آنچنان بی ربط به گویندگی و دوبله هم نبود، برای خودمان استودیویی داشتیم و برای بچه ها نوارهای قصه درست می کردیم، به خاطر همین از دور با این حرفه آشنایی داشتیم اما تصور این که روزی به دوبله بیایم و دوبله بشوم را نداشتیم. تا این که روزی یکی از همکاران آمد و گفت که تلویزیون دوبله می پذیرد، من هم گفتم: «خوب به ما چه ربطی دارد؟» (با خنده)... حقیقتش من قضیه را زیاد جدی نگرفتم اما همکاری داشتیم به اسم آقای عظیمی، یادش به خیر، اصرار کرد که پاشو برویم تست بدیم، حتی یادم می آید که به او گفتم: «بابا ول کن من و تو رو چه به این کار، آخه کار آسونی نیست...» تصویری که از دوبله داشتیم یک کار سخت و نشدنی بود. به هر حال با اصرار او رفتم تست دوبله دادیم، من قبول شدم اما او که آن همه اصرار داشت رد شد!! به این ترتیب به دوبله آمدم، طبیعتاً تا قبل از آن هم که با فضای دوبله آشنایی نداشتیم مشکلاتی مثل این که کار کم بود و حتی خیلی از دوبلورهای قدیمی به خاطر بی کاری به خارج از کشور رفته بودند و در واقع «هجرت» کرده بودند، وجود داشت اما با تمام این ها دوبله را شروع کردم.

قبل از ورودتان به دوبله، کار دوبلورها را در سینما دنبال می کردید، صدایپیشه ها را می شناختید؟

نه، این که دنبال کنم فلان رل را چه کسی گفته و صدای کیست و... اصلاً این طوری نبودم، اما آن موقع سعی می کردم تپبیک هایی را که دوبلورها در سریال ها یا کارتونها می گفتند و ما می دیدیم، مثل همانها را اجرا کنم، حتی یادم می آید که در دوران سریالی، سرگروهیانی داشتیم که مرتب به من می گفت تو می توانی در اجراهای تلویزیونی موفق بشوی، من می خندیدم و آن موقع به فکر نمی رسید که روزی واقعاً این اتفاق می افتد.

اوایل کار عمدتاً فعالیت شما در دوبله های تلویزیون بود؟

بله، اما فیلم یا سریال های با ارزشی نبود که دوبله، توانایی اش را روی آن محک بزند و بیش تر سریال های چینی و ژاپنی را دوبله می کردیم.

آن موقع یک سری فیلم های ویدیویی دوبله می شد که سرپرست بیش ترشان مرحوم ایرج ناظریان بود، در آنها حضور نداشتید؟

متأسفانه با مرحوم ناظریان کار نکردم و فقط در یک فیلم